



کافه سینما

درباره فیلم سینمایی «استراحت مطلق» عبدالرضا کاهانی

بی کاری و بی عاری



مازیار فکری‌ارشاد

منتقدسینما

«استراحت مطلق» به نظر پخته‌ترین فیلم عبدالرضا کاهانی می‌رسد. کاهانی همواره موضوعاتی ملتهب با پس‌زمینه اجتماعی را برمی‌گزیند و بعد با نگاهی ایزورد (در مواردی گروتسک) آنها را می‌شکافد. «استراحت مطلق» هم بر همین پایه پیش می‌رود، با این تفاوت که نقطه ضعف اصلی فیلم‌های پیشین فیلمساز؛ یعنی شیوه روایت را اینجا به نقطه قوت اثر تبدیل کرده است. فیلم با روایتی دقیق معضلات مبتلا به جامعه – از قبیل طلاق، بیکاری و البته بی‌عاری – را با همسان لحن طنز و کمی گستاخ همیشگی درآمیخته و به کارکردی نو در استفاده از مضامین تلخ اجتماعی در لحن و قالبی طنزآلود دست یافته است. کاهانی در نیمه دوم دوران فیلمسازی‌اش و با فیلم «هیچ» یا به این وادی کمتر تجربه‌شده گذاشت و پس از آن هم «اسب حیوان نجیبی است» و «بی خود و بی جهت» را ساخت. فیلم‌هایی که علی‌رغم جسارت مضمونی و طنز زندانه و سرخوشی‌ای که داشتند، آثاری کامل و جامع نبودند. پس از یک دوره غیبت در سینمای ایران و کوچ موقت به فرانسه و ساخت فیلمی در آن دیار، حالا کاهانی بازگشته و با سماجت همان مدل سینمای مورد علاقه‌اش را پیگیری می‌کند؛ این بار با تجربه‌ای افزون‌تر و نگاهی عمیق‌تر به مسائل اجتماعی. حاصل این پافشاری در شیوه فیلمسازی در ترکیب بارفع کاستی‌های همیشگی، گذر از مرزهای رئالیسم اجتماعی و رسیدن به گونه‌ای ناتورالیسم شخصی در پرداخت معضلات آدم‌های فیلم «استراحت مطلق» است.

از ویژگی‌های مهم «استراحت مطلق» چهره‌ای واقعی، ملموس و باورپذیر از شهر افسارکشیخته تهران و آدم‌های طبقه کارگر در چنبره تحولات سریع در جامعه است. شهر تهران در «استراحت مطلق» هویتی شفاف و در دسترس دارد. اندازه شوخی‌ها و لودگی‌های فیلم کنترل شده و توازن

قابل قبول میان این لحظه‌ها و فرازهای تلخ و ناگوار فیلم ایجاد کرده است. کاهانی با انتخاب مناسب بازیگران در همان آغاز، نیمی از راه شخصیت‌پردازی و بعد بخشیدن به کاراکترها را می‌پیماید. در میان بازیگران پر تعداد فیلم، بهترین بازی بی‌تردید از آن مجید صالحی است. صالحی که در سالیان اخیر در کلیشه نقش‌های کمیک محبوس شده بود، در «استراحت مطلق» و جبه دیگری از توانایی‌های خود در زمینه بازیگری را ارائه می‌دهد و بارک درست از مختصات نقش، بهترین نقش کاملاً جدی خود را در یک فیلم مفرح و در عین حال، صاحب دغدغه‌های روشن اجتماعی ارائه می‌دهد.

عبدالرضا کاهانی در طول پیش از یک دهه فیلمسازی همواره کوشیده به سبکی شخصی و گونه‌ای کمرنگ از مفهوم سینمای مؤلف دست‌یابد ولی کمتر موفق شده است. اما به نظر می‌رسد او بالاخره در «استراحت مطلق» مزد پافشاری خود روی ایده‌ها و فیلم‌هایش را گرفته و به ثباتی روشن در رویکردش به فیلمسازی و برقراری ارتباط میان این هنر و دلمشغولی‌های شخصی رسیده است.

خبرچین

وزیر ارشاد در بازگشایی گنجینه هنری بانک پاسارگاد:

هنرمندان ماهمواره در تنگنای اقتصادی قرار داشته‌اند



گروه ادب و هنر | اعلی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی دیروز به موسسه فرهنگی صبا رفت تا در آیین رونمایی از کتاب گنجینه بانک پاسارگاد بگوید: «جامعه ما باید تکلیف خود را با حوزه فرهنگ و هنر روشن کند و برای آن شأن تخصصی قائل شود. بی‌تردید پدیدآورندگان رشته‌های

مختلف هنری فرزندان این ملت‌اند و حدودود عرف و شرع را در آثارشان خوب می‌شناسند.

دومین مشکل حوزه فرهنگ و هنر کشورمان، وضعیت اقتصاد فرهنگ است، حلقه مفقودی که پدیدآورندگان و مدیران فرهنگی را به دشواری انداخته است و کمتر کسی تصور می‌کند بتوان حوزه فرهنگ و هنر را به حوزه‌ای با ارزش افزوده و تاثیرگذار در اقتصاد کشور تبدیل کرد. از این رو هنرمندان ما و حتی بسیاری از صاحبان نام، همواره در تنگنای اقتصادی قرار داشته‌اند و هنوز هم با چنین مشکلاتی دست به گریبان هستند.» در نمایشگاه گنجینه بانک پاسارگاد آثاری از منوچهر یکتایی، منیر فرمانفرمایان، بهمن محضص، سهراب سپهری، مارکو گریگوریان، پریز کلاتسری، محمد احصایی، پرویز تاولی، غلامحسین نامی، ابوالقاسم سعیدی، احمد اسفندیاری، آیدین آغداشلو، علی شیرازی، رضا مافی، حسین زنده‌ودی، ایران درودی، فریده لاشایی، منصوره حسینی، مثن اسماعیل، هانیبال الخاص، محسن وزیری‌مقدم و... به نمایش در آمده است.

مستوری و مستی همایون شجریان در بازار موسیقی

گروه ادب و هنر | از امروز می‌توانید آلبوم «مستور و مست» به آهنگسازی زانو باغومیان و خوانندگی همایون شجریان را بشنوید. برای همین رونمایی این آلبوم در خانه هنرمندان برگزار شد و همایون شجریان از کاری که در این آلبوم انجام داده گفت: او درباره سبک آهنگساز این اثر گفته است: «سبک موسیقایی زانو باغومیان با یک موسیقی حماسی و قلدری همراه شده است که حضور ۳۰۰ نوازنده در قالب یک ارکستر توانسته شکوه موسیقایی خوبی را به مخاطب نشان دهد.» او می‌گوید این اثر یک کار تلفیقی است که در ورای توجه به ملودی سنتی از موسیقی غربی استفاده شده است.

رئیس سازمان سینمایی از سینماگران خواست متحد شوند

کاسب‌کاران سیاسی دنبال بهانه‌اند



در همین مراسم با مسعود ده‌نمکی نیز عکس یادگاری گرفت و از او نیز تقدیر کرد، گفت: «اگر بر یکی شدن اهالی سینما تاکید دارم، برای این است که به عده‌ای که از این اختلافات احتمالی به دنبال کاسب‌کاری سیاسی هستند، فرصت ندهیم،

گروه ادب و هنر | مراسم آغازین اکران نوزوی سال ۱۳۹۴ در شامگاه ۱۸ اسفندماه مجالی برای حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی فراهم آورد تا علاوه بر تقدیر از فیلم‌ها، سینماداران و مخاطبان بر گزیده سال ۹۳ از کیناوش عیاری نیز تقدیر به عمل آورد. در متن تقدیری از کیناوش عیاری، کارگردان فیلم در محاق‌مانده «خانه پدری» که هنوز وضعیت اکران آن مشخص نیست، این‌طور نوشته شده است: «به احترام صبر و سکوت‌شان، لوح سپاس به مرد اخلاق و ادب سال ۱۳۹۳، چهره آرام و متین سینمای ایران، استاد کیناوش عیاری اهدا می‌شود، به امید آنکه در بوستان فرهنگ و هنر این سرزمین همچنان بدرخشید.» ایوبی که



بهاالدین مرشدی b.morshedi@fdn.ir

برای دیدن «یک صبح ناگهان» باید به ایرانشهر و سالن استاد سمندریان رفت. نمایشی که این روزها از حسین پاکدل روی صحنه است. او این نمایشنامه را بر اساس رمان «تشت خون» داستانی از اسماعیل فصیح نوشته است. نمایشی که به دل تاریخ معاصر ایران می‌رود و می‌خواهد این تاریخ را با شرایط روز پیوند بزند. حسین پاکدل آدمی صمیمی است و راحت حرف‌هایش را می‌زند و همین است که گفت‌وگوی ما طولانی می‌شود. در زیر بخش‌هایی از این گفت‌وگوی بلندرامی خوانید.

در نمایش «یک صبح ناگهان» قصه و درام خیلی خوبی در جریان است اما یک جاهایی شخصیت «کمال» به‌عنوان شاهد روای و شخصیت «هلک» به‌عنوان راوی اصلی در جریان قصه دخالت می‌کنند. من احساس می‌کردم شما یک‌سری حرف‌ها را می‌خواستید بالای‌لا درامش بزنید و این شیوه را انتخاب کرد دید. در صورتی که خود داستان می‌توانست راحت‌تر پیش برود.

ما قصد ارتباط با مخاطب داریم. با متوسط مخاطبی که در حقیقت با هنر تئاتر آشنا و تاحدودی اهل مطالعه است و نشانه‌های نمایشی را درک در دریافت می‌کند.مواجه هستیم. من به‌عنوان کارگردان توقع ندارم که صد‌رصد مخاطباتی که به دیدن این نمایش می‌آیند با کار ارتباط برقرار کنند یا صد‌رصد مفاهیم حاکم بر نمایش را دریافت کنند. ممکن است بعضی وقت‌ها یک کلمه، تصویر و مفهومی از دست برود و مخاطب بخش زیادی از نمایش را متوجه نشود. اگر بنشینیم از جهت زیبایی‌شناسی و ساختار درامی‌تیک صحبت کنیم بعضی از صحنه‌ها را می‌توان حذف کرد و ما این مساله را در دوران تمرین تجربه کردیم و با همفکری مشاور اثر، مهدی سلطانی و دیگر دوستان بازیگر به این شکل اجرایی رسیدیم. چیزی که اول نوشتیم با چیزی که اجرا شده خیلی فرق کرده است.

یعنی متن اولیه با آن چیزی که روی صحنه اجرا شده باهم متفاوت است؟

اما اگر می‌خواستیم آن چیزی که اول نوشته شده بود را اجرا کنیم باید سه ساعت نمایش اجرا می‌کردیم ولی آن زمان را به ۱۰۰ دقیقه رساندیم. زمانی که حد ظرفیت مخاطب برای چنین درام سنگینی است. اما به هر صورت شما به‌عنوان مخاطب باید جهان‌بینی آن آدم و هنرمندی را که خودکشی کرده است بفهمید. ما در نمایش خودکشی او

و رمان به وجود می‌آید. از آن مقطع ترجمه رمان شروع می‌شود. شتاب آن یکباره به اندازه تمام سال‌های گذشته است. برای همین این مقطع سر آغاز است.

درواقع شما این شخصیت را به‌عنوان نماینده‌ای از آن دوره تصور کرده‌اید؟ «کمال» به‌عنوان شخصیت محوری و به‌عنوان کسی که خودش را فنا کرده و شeroوند می‌شود و آرام‌آرام پای قانون وسط می‌آید. مشروطه، مجلس و پس از آن قوانین مدنی به وجود می‌آید. قیل از آن قانونی وجود نداشته. تاپیش از آن شاه‌دستوری صادر می‌کرده و همان فرمان غلط یا درست باید اجرا می‌شده است. بعد از آن رعیت تبدیل به شهروند می‌شود و آرام‌آرام حقوق پیدای می‌کند. دامنه هنر هم گسترده‌تر می‌شود و هنر‌های مدرن و نو می‌آیند. تا قبل از آن

کل هنری که می‌توانستیم نام ببریم و تجلی بیرونی داشت کم بودند. هنر‌هایی مثل

معماری، خطاطی، نقاشی و کمی هم موسیقی و شعر، شروءخوانی و تعزیه‌خوانی بود. بیشتر شفاهی و حافظه‌ای بود. چندان ادبیات مکتوب به صورت امروزی نداشتیم. آثار کهن ما هم در حد چند دستنویس بوده است. از آن به بعد کم‌کم عکاسی، نقاشی مدرن، سینما، تئاتر، رقص و موسیقی، شعر نو، ادبیات نو، داستان کوتاه به شکل مدرن

ما پرورده مکتب سعدی هستیم

یک وقتی ممکن بود یک حاکم مغول یا نادرشاه افشار جانیاتی بکند یا چشم‌پچه‌اش را در بیاورد. چند نفر این مساله را می‌دیدند؟ نهایتاً ۱۰ تا ۲۰ نفر این تصاویر را می‌دیدند، نه ۱۰۰ نفر آن را می‌دیدند. الان داعش میلیاردها نفر را به سادگی مخاطب جنایت قرار می‌دهد و وحشیانه‌ترین اعمال را مقابل دیدگان‌شان انجام می‌دهد و این خشونت را تکثیر می‌کند. خود رسانه‌های خبری هم شده‌اند مبلغ این بربریت در پوشش بخش خبر و آگاهی‌بخشی. جمله‌ای داشتم که می‌گفت: چه بارگاه بلندی ساخت، شیطان از سنگ‌های بر او خورده. ترویج خشونت دارد بشر را بیمار می‌کند. شما از تاثیر این خشونتی که در رفتار بشر امروز تجلی پیدا می‌کند غافل نشوید. ممکن است من و شما بینیم یا دل‌مان نباید این گونه آتش زدن انسان در قفس را بینیم ولی تاثیر روانی‌اش در جوامع انسانی به جا می‌ماند. یک وقتی است که حکومت‌هایی به ظاهر کاملاً متمنند این جنایات‌ها را در لباس دموکراسی انجام می‌دهند و روی آن واکنس دموکراسی و آزادیخواهی و مبارزه با تروریسم می‌زنند، یک گروه بربر و وحشی مثل داعش هم این‌طور از ابزار نوین ارتباطی استفاده می‌کند و جنایت و وحشت را تکثیر می‌کند. اما کلیت این است که بشر این چیزها را در گستره خیلی وسیع می‌بیند. یک زمان می‌گفتند جنگ جهانی دوم یا دوران استالین این همه آدم کشته شد اما طوری بود که حتی همسایه این آدم‌ها هم از این حجم جنایت خبردار نمی‌شدند. آدم‌ها را در کوره می‌ریختند یا به سبیری می‌فرستادند اما الان انکار جلوی چشم ما همه این اتفاقات رخ می‌دهد و کاری از کسی برنمی‌آید. این خیلی دردناک است و طبیعی است که شب، خواب و آرامش نداریم و بیماری‌های متفاوت به سراغمان می‌آید. به هر صورت ما پرورده مکتب سعدی هستیم که می‌گوید «بنی‌ادم اعضای یک پیکرند که در آفرینش از یک گوهرند.» این آموزه تربیتی ماست و نمی‌توانیم بی تفاوت باشیم. مهم نیست من آن خلبان یا خبرنگار و... را بشناسم یا نه اما وقتی می‌بینم یک انسان را جلوی دوربین سر می‌زنند و آتش می‌زنند و انسان‌هایی را قطار می‌کنند و به رگبار می‌زنند، اینها هولناک و حیرت‌انگیز است. اینها را اگر نگاه انتقادی‌های کوچکی نیست، در دنیا اتفاقات عجیب و غریبی مقابل چشم‌مان رخ می‌دهد. ما حداقل به‌عنوان هنرمند می‌خواهیم بگوییم با این خون‌ریختن‌ها هیچ چیز درست نمی‌شود و فقط خشونت بیشتر می‌شود.

گزارش اول

هرچند که این اختلاف‌نظر‌ها طبیعی است.» رئیس سازمان سینمایی همچنین از رسول صادقی، مدیرکل روابط‌عمومی سازمان سینمایی و همسر و دختر شهید داریوش رضایی‌نژاد تقدیر و هدایایی به آنان اعطا کرد. منیژه حکمت در بخش تقدیر از پرفروش‌های سینما در سال ۹۳ نیز گفت: «تشکر ویژه دارم از کسانی که چوب‌لای چرخ ما گذاشتند، از آقای جنتی که نیامدندن فیلم ما را ببینند و از تمامی کسانی که برای ما ششایعه درست کردند.» حضور پررنگ زنان فیلمساز در سال ۹۳ از دیگر مواردی بود که در این مراسم که چندروز بعد از روز جهانی زن برگزار می‌شد، بهانه‌ای شد تا تمهینه میلانی کارگردان فیلم پرفروش «آتش بس ۲» از آن بگوید.

را به ضررس قاطع گفت. چیزی که شما می‌گویید این است که ما شخصیت «ملک» را حذف می‌کردیم و صحنه پشت سر هم اتفاق می‌افتاد و یک تئاتر مدرن‌تری شکل می‌گرفت. بله ایسن هم عملی است، اما ممکن بوداین اثری که الان بر شما می‌گذارد نگذارد.گفتم ما همه به‌نهارا در مرحله تمرین تجربه کردیم. برای پایان نمایش اشکال گوناگونی را نوشتیم. شما به‌عنوان مخاطب ایقندر در طول اجرا اثرژی‌ات متراکم شده که دو‌سست دارید «بهرام» از جایش بلند و ش‌ود و یک کاری انجام بدهد.ولی بهرام بلند نمی‌شود. آخرش هم بلند نمی‌شود. ما اصرار داشتیم بلند نشود چون می‌خواستیم انرژی شما و قتی بیرون می‌روید خالی نشود. با خودتان این انرژی را بیرون ببرید و مابه‌ازا پیدا کنید و بگویید اگر من جای بهرام بودم چه می‌کردم.باین چاقو و گریلیک چه کاری کردم؟ آیا خون روی خون بچمام می‌ریختم یا انتقام می‌گرفتم.بامثلا واگویه‌ای ذهنی که شما را خنک کند.

من یک مقدار بی‌عملی در این شخصیت و این نوع شخصیت در آن برهه تاریخی دیدم. می‌گویم همین مفهوم را هم از این نمایش برداشت کرد. ما چنین قصدی نداریم که بی‌عملی را ترویج دهیم ولی عمل احساسی و بی‌پشتوانه فکری را هم توصیه نکردیم. بیشتر روی آگاهی و عمل آگاهانه تمرکز کردیم. روی کشف و شهود. من در پرورش نوشت‌هام که این را آینه‌ای مقابل خودت ببین. تاریخ مگر آینه نیست؟ آن را جلوی خودت بگیر و خودت را در آن ببین که تو و من در کجا هستیم. چقدر جلوتر رفته‌ایم. تقریباً ۲۰ سال گذشته و چقدر تغییر کرده‌ایم. با هنوز همین بحث و بساط هست یانه، فقط به آینده پر تاپ شده‌ایم. اگر ما تصویر گذشته را موه‌بو در امروز خودمان می‌بینیم، پس در جازده‌ایم و باید فکری به حال خودمان بکنیم. ممکن است ماشین‌های مدل بالا سوار شویم و کامپیوتر و تلفن همراه و اینترنت داشته باشیم اما آیا در گذشته نمانده‌ایم. شما به‌عنوان خبرنگار خیلی اتفاقی با آدم‌های اهل مطالعه حرف می‌زدید و اینترت داشته باشیم اما آیا می‌پرسید اگر فلان مسئولیت را داشتید چه کار می‌کردید، به راحتی ممکن است بگوید اگر من فلان اختیار را داشتم این آدم را این‌طوری می‌کردم یا به‌راز بالا سر فلاخی می‌آوردم. تا وقتی چنین تفکری وجود دارد برای چه دم از دموکراسی می‌زنیم. برای چه از هم‌زیستی کنار هم دم می‌زنیم. پس آدمی که مسئولیت دارد و بخشی از اراده جامعه در دستش هست که خیلی شریف‌تر از منی است که از او انتقاد می‌کنم و فکر می‌کنم اگر جای او را بگیرم سر چند نفر را می‌برم. اینکه مدنیت نیست. باید بینیم ظرفیت ما کجاست.

درواقع شما می‌خواهید با این حرف‌ها درام‌تان را پیش ببرید و اینها را مایه‌های اصلی این درام می‌دانید؟ حرف ما در این نمایش این است که این چاقو بالاخره خونی را ریخته‌اما آیا این چاقو برای کشتن است یا می‌شود کار دیگری با آن انجام داد. ساده‌ترش در شکل نمادین و نمایشی که خون کشت را هم نمایندگی کند بریدن انار یا هندوانه قاچ کردن است. چون خنکی، آرامش و طراوتی دارد. اما این هندوانه نیست در نهایت تعبیری است که کمال به کار می‌برد. هندوانه خون‌گفت‌ر و تعبیری از خون است و خون کمال است که به‌خوض می‌رود. تشب تبدیل به خوض می‌شود و ما خون هندوانه را می‌خوریم. خون‌خوری ملت است. تداوم تاریخی این اتفاق است. به قولی کدام جنگ بالاخره به جنگ پایان می‌دهد.

چهره‌ها



گروه ادب و هنر | بهمن فرمان‌آرا نخستین تجربه کارگردانی‌اش را با نمایش «مردی برای تمام فصول» با موفقیت پشت سر گذاشت بعد از اجراهایش در تالار وحدت، حالا فیلم این نمایش را در اختیار علاقه‌مندان قرار داده است تا آن‌هایی که این نمایش را ندیده‌اند در خانه به تماشای آن بنشینند.

این فیلم نمایش را مرکز موسیقی به‌توان تهیه کرده و فرمان‌آرا در یک مراسم از این فیلم نمایش رونمایی کرده است.



گروه ادب و هنر | گیل‌مو دل‌تورو نگران کشورش است. او که کارگردان برجسته مکزیکی است می‌گوید وقتی به کشورش سفر می‌کند حتی نگران امنیت جانی خودش است.

البته او این حرف‌ها را در مکزیک زده وقتی در جشنواره فیلم گوادالاخارا شرکت کرده است. او از اضمحلال اجتماعی مطلق در کشورش حرف زده است. البته او حق دارد نگران جانش باشد، چون یک‌بار پدرش گروگان گرفته شد و با اینکه پدر او نجات پیدا کرد، ایسن کارگردان مکزیک را ترک کرد و از سال ۲۰۰۱ در این کشور فیلم نساخت. اما انگار او قصد کرده است در وطنش فیلم بسازد و خودش را برای ساخت فیلم سینمایی «پلاتا» در مکزیک آماده می‌کند.



گروه ادب و هنر | نمایش «خشکسالی و دروغ» نوشته و کارگردانی محمد یعقوبی توجه علاقه‌مندان به تئاتر را به خودش جلب کرد و همین است که محمد یعقوبی ترغیب‌شده فیلمنامه‌اش را بنویسد و پیدرام علیزاده آن را کارگردانی کند. تا به حال بازی محمد رضا گلزار، باران کوثری و آیداکیخایی در این فیلم سینمایی قطعی شده بود و حالا خبر آمده که علی سربازی هم قرار است در این فیلم بازی کند. آنهایی که بازی او را در این نمایش دیده‌اند می‌دانند که او بهترین گزینه برای بازی در همین نقش است.



گروه ادب و هنر | سم سایمون ۵۹ سال بیشتر نداشت که دوشنبه ۹ مارس به دلیل سرطان روده درگذشت. او یکی از آفرینندگان سریال کارتون‌ی «سیمپسون‌ها» بود. طولانی‌ترین سریال کمدی در تاریخ آمریکا که سایمون برای بازی و نوشتن و کارگردانی و تولید اجرایی این سریال ۷ جایزه امی را به دست آورده بود. پخش این سریال از ۱۹۸۹ شروع شده بود و سایمون سرپرست تیم نویسندگانش بود. البته او بعد از چهار فصل از سریال کنار رفت، اما همچنان سالانه ۲۰ تا ۳۰ میلیون دلار از این سریال درآمد داشت. او پس از اینکه متوجه شد سرطان دارد اعلام کرده بود که می‌خواهد همه دارایی‌اش را صرف خیریه کند.